

گاهنامه هنر و مبارزه

16 فوریه 2012

پایان بازی در خاورمیانه نوشته تی یری میسان

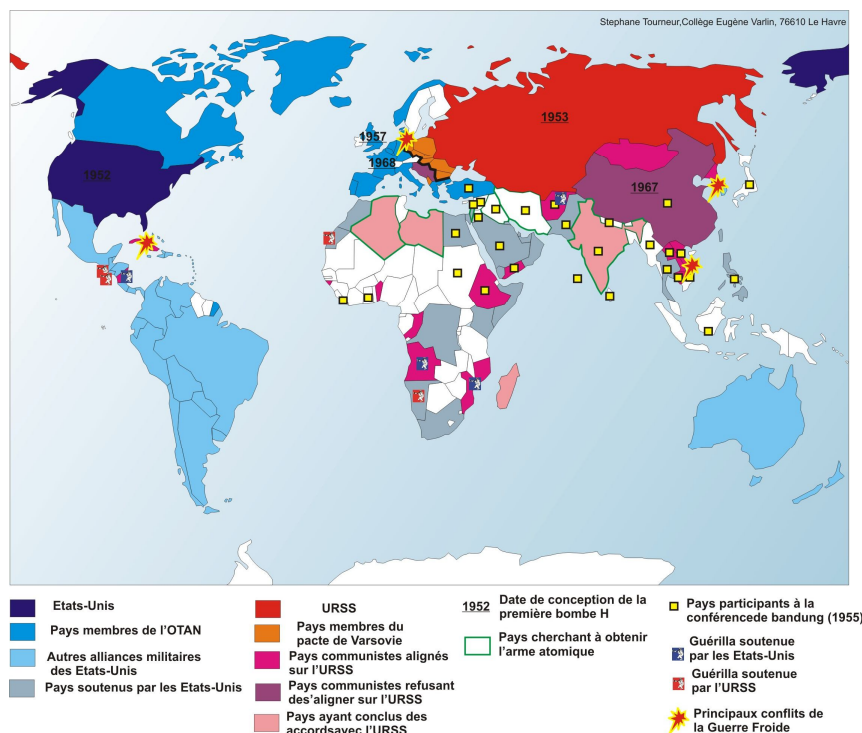
ترجمه توسط حمید محوی

par Thierry Meyssan



Mondialisation.ca, Le 15 février 2012
voltairenet.org

در حالی که نبرد و زد و خوردها در محله شورشیان در حمص خاتمه نیافته و مقامات سوریه و لبنان هنوز بیانیه ای در مورد عملیات اخیرشان اعلام نکرده اند، تی یری میسان از طریق نخستین شبکه روسی ترازنامه دوشنبه شب را که مجموعه ای از گزارشات دست اول او می باشد، به اطلاع ما و خوانندگان شبکه ولتر می رساند.



پس از دوازده ماه، قدرت های غربی و خلیج عملیات بی ثبات سازی سوریه را پی گیری می کنند. چندین هزار سرباز مزدور که توسط مأموران رسمی عربستان سعودی و قطر از بین سنی مذهبیان افراطی به استخدام درآمده بودند، به داخل کشور رخنه کرده، و آمده بودند تا بشار الاسد «علوی غاصب» را سرنگون کرده و دیکتاتوری وهابی را جایگزین سازند.

این سربازان مزدور به سلاح های پیش رفته، و دوربین با قدرت عملیات در وضعیت شبانه، مراکز اطلاعاتی، و روبات های ویژه برای جنگ داخلی در مناطق شهری مجهز بودند. این سربازان مزدور از پشتیبانی قدرت های ناتو برخوردار بودند، و علاوه بر این به اطلاعات نظامی ضروری برای عملیاتشان دسترسی داشتند، به ویژه برای رد یابی و جابه جایی نیروهای سوریه از تصاویر ماهواره ای، و علاوه بر این از بازرسی تلفنی نیز برخوردار بودند.

این نوع عملیات تاکنون از طریق رسانه های حاکم به شکل تحریف آمیز و به مثابه انقلاب سیاسی که توسط رژیم دیکتاتوری بشار الاسد بی رحمانه غرقه به خون شده است، در اذهان عمومی منعکس شده است.

البته چنین دروغ هایی مقبولیت عام نداشته: روسیه، چین و برخی کشورهای آمریکای جنوبی. هر یک از این کشورها با وجود تجربیات تاریخی خود فوراً توانستند به واقعیت حوادث پی ببرند. روس ها حوادث چنچنی و چینی ها حوادث زینکیانگ را به یاد می آورند، و آمریکایی ها در کوبا و در نیکاراگوئه، در هر صورت علی رغم ظواهر

ایدئولوژیک یا مذهبی، روش های سازمان سیا در بی ثبات سازی کشورها تغییری نکرده است.



گروه مخالفان دولت سوریه، که به شکل ابهام آمیزی عموماً «ارتش سوریه آزاد» نامیده می شود.

شگفت آورتر از همه در چنین وضعیتی، رسانه های غربی هستند که جریان را به شکلی در اذهان تزریق می کنند که گویی سلفی ها، وهابی ها و مبارزان جنبش القاعده به دموکراسی روی آورده اند، در حالی که اینها دائماً روی شبکه ماهواره ای سعودی و قطر، «علوی های خارج شده از دین» و دیدبانان اتحادیه عرب را به مرگ و بریدن سر تهدید می کنند.

مهم نیست که عبدالحکیم بلحاج (شماره 2 در القاعده و حاکم نظامی در طرابلس و لیبی) شخصاً با نفراش در شمال سوریه مستقر شده باشد، و ایمان ال-ظواهری (شماره 1 القاعده پس از درگذشت اسامه بن لادن) برای جهاد در سوریه فتوا صادر کرده باشد، ولی مهم این است که ببینیم که غربی ها هم چنان در رؤیای رمانتیسم انقلاب لیبرال به سر می برند. مضحک تر از همه، رسانه های غربی هستند که دائماً با تبعیت تمام، اتهاماتی را که «اخوان المسلمین» در مورد جنایات رژیم و قربانیانش، زیر امضای دیدبان حقوق بشر سوریه به رژیم سوریه وارد می سازند تکرار می کنند. معلوم نیست از چه دورانی این انجمن برادرانه کودتاگر به حقوق بشر دلبستگی پیدا کرده است؟



ایمان ال-ظواهری، شماره 1 القاعده پس از درگذشت اسامه بن لادن، در کنار کشورهای غربی علیه رژیم بعث سوریه فتوای جهاد اعلام کرده است.

کافی بود که سرویس های اطلاعاتی غربی عروسی را به نام «شورای ملی سوریه»، و یک استاد دانشگاه سورین را نیز به ریاست آن بگمارد، و معشوقه رئیس اسبق مدیریت عمومی امنیت خارجی (1) را نیز به عنوان سخن گو انتخاب کند، تا «تروریست ها» تبدیل به «دموکرات» شوند. در یک چشم به هم زدن، دروغ به واقعیتی رسانه ای تبدیل شد. افراد ربوده و یا قطع عضو شده و یا به قتل رسیده توسط یگا نهایی مزدور وهابی، به عنوان قربانیان دیکتاتور حاکم معرفی شدند.

سربازان نظام وظیفه از تمام مذاهب که از کشورشان در مقابل تجاوزات افراتیون دفاع می کردند، به مزدوران علوی تقلیل پیدا کردند که به مردم کشور خودشان ستم روا می داشتند. روند بی ثبات سازی سوریه توسط بیگانگان به بخشی از «بهار عرب» تعبیر شد. امیرالمؤمنین قطر و پادشاه عربستان سعودی، دو سلطنت مطلقه که هرگز هیچ گونه انتخابات ملی در کشورشان برگزار نکرده اند و معترضان را به زندان انداخته اند، در رسانه های غربی، انقلابی و دموکرات از آب درآمدند.

فرانسه، انگلستان و ایالات متحده نیز که دستانشان هنوز به خون تازه 160000 نفر از مردم لیبی آلوده است با نقض مجوزی که از شورای امنیت داشتند، به انسان دوستان مسئول حفاظت از جان شهروندان تبدیل شدند.

با این وجود این مسخره بازی خونبار، با رأی وتوی مضاعف روسیه و چین پایان گرفت. ناتو و هم پیمانانش، به توقف آتش و خارج از شدن از منطقه فراخوانده شدند، در غیر این صورت مسئولیت جنگ منطقه ای و حتی جهانی را باید به عهده بگیرند.



رئیس جمهور بشارالاسد و وزیر امور خارجه روسیه سرگئی لاوروف روز 7 فوریه در داماس

7 فوریه هیئت نمایندگی بلند پایه روسیه، از جمله مقامات بلند پایه اطلاعات خارجی وارد داماس شدند، و مورد استقبال گرم عمومی قرار گرفتند، با اطمینان به این امر که بازگشت روسیه به صحنه بین المللی پایان کابوس را رقم می زند. نه تنها در پایتخت، بلکه در دومین شهر سوریه، حلب، با رنگ های سفید، آبی و سرخ تزیین شده بود، و روی روبان ها نیز به زبان روسی نوشته بودند. در کاخ ریاست جمهوری، علاوه بر هیئت نمایندگان روسی، نمایندگان کشورهای دیگر، مانند ترکیه، ایران و لبنان حضور داشتند. یک سری توافق نامه برای بازگشت صلح به امضا رسید. سوریه 49 مستشاری را که ارتش سوریه به اسارت خود درآورده بود آزاد کرد. ترکیه برای آزاد ساختن مهندسان و زائران ایرانی که ربوده شده بودند میانجی گری کرد، به انضمام آنهایی که در اسارت فرانسوی ها به سر می بردند. ترکیه کمک هایش را برای «ارتش سوریه آزاد» متوقف کرد، و پایگاه های آنها را بست (به استثناء پایگاهی که در پایگاه ناتو در اینکیرلیک واقع شده)، و رئیس آن سرهنگ ریاد الاسد را تحویل داد. روسیه که ضامن این قراردادها بود، اجازه یافت تا پایگاه قدیمی اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی را در کوه قاسیوم دوباره فعال سازد.

فردای آن روز، وزیر دولت ایالات متحده اپوزیسیون سوریه در تبعید را مطلع ساخت که از این پس نباید روی کمک نظامی ایالات متحده حساب کنند. اپوزیسیون سوریه در تبعید با درک وضعیت جدید که خیانتشان به کشور خودشان بی نتیجه بوده، در پی سرمایه گذاران جدیدی هستند که بتوانند مخارج آنها را تأمین کنند. حتی یکی از آنها برای نتانیاهو نامه ای نوشت، و از او درخواست کرد که به سوریه حمله کرده و آن را تسخیر کند.



گسترش ارتش لبنان در عملیات شمال کشور

پس از انعقاد قراردادها که دو روز به طول انجامید، ارتش های ملی سوریه و به همچنین لبنان، به پایگاه های یگا نهایی و هابی حمله کردند. در شمال لبنان، انبار اسلحه و مهمات کشف شد و چهار افسر غربی در عکار در یک مدرسه رها شده که به طرح سازمان ملل متحد برای فلسطینیان تعلق داشت و به مرکز فرماندهی نظامی تبدیل شده بود، به اسارت درآمدند. در سوریه، ژنرال آسيف شاوکات شخصا فرماندهی عملیات را به عهده داشت. دست کم 1500 نفر به اسارت درآمدند که یکی از آنها یک سرهنگ فرانسوی بود که امور فنی اطلاعات را به عهده داشت، و بیش از هزار نفر نیز کشته شدند. در حال حاضر مشخص نیست که چند نفر از قربانیان مزدور خارجی و چند نفر از سوریه ای هایی بوده اند که با نیروهای بیگانه همکاری می کردند، و یا چند نفر از غیر نظامیانی بوده اند که در شهر جنگ زده گرفتار آمده بودند.

لبنان و سوریه حق حاکمیت بر اراضی خود را بازیافتند. روشنفکرانی که تلاش می کنند بدانند که آیا ولادیمیر پوتین با حمایت از سوریه خود را در بحران دیپلماتیک با ایالات متحده قرارداد داده است. من فکر می کنم که پرسش نابجایی است. طی سال ها با بازسازی نیروهایش، و با تأیید حضورش در عرصه بین المللی، مسکو به دو دهه از نظم جهان تک قطبی که واشینگتن یکه تاز آن بود و می توانست حاکمیت جهانی خود را گسترش دهد، پایان بخشید.

انتخاب بر این اساس نبود که با این کشور کوچک، مثل سوریه متحد شود، یا با قدرت ایالات متحده، بلکه انتخاب بر این اساس بود که آیا باید اجازه دهد که نخستین ابر قدرت جهان یک دولت دیگر را سرنگون کند و یا این که توازن نیروهای را مختل ساخته، و نظم بین المللی نوینی را به وجود بیاورد که عادلانه تر به نظر می رسد و روسیه نیز می تواند حرف خود را بگوید.

پانوشٲ :

(1

DGSE

منبع

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=29309>